



حل یک مشکل فقهی  
در ترجمه آیه سوم سوره نور  
یعقوب جعفری

سوره مبارکه نور از سوره‌های فاخری است که در آن بسیاری از احکام فقهی مربوط به روابط خانوادگی و حفظ امنیت و آرامش در محیط خانواده بیان شده است. برخی از این احکام عبارتند از: بیان حد زن و مرد زناکار، بیان حد کسی که به دیگران تهمت بی‌عفتی می‌زند، آداب و احکام وارد شدن به خانه‌ها که نباید سرزده و بدون اطلاع صاحب خانه باشد، بیان حرمت نگاه به نامحرم، تشویق جوانان به ازدواج، بیان کیفیت پوشش زنان در برابر نامحرمان، شمارش مردانی که محرم زنانند و از این قبیل.

نخستین حکم فقهی که در این سوره آمده بیان حد زناست که باید به هر کدام از زن و مرد زناکار به عنوان مجازات کار زشتی که کرده‌اند، صد تازیانه زده شود و این در حضور گروهی از مؤمنان باشد تا مایه عبرت قرار گیرد.

پس از بیان این حکم فقهی و به مناسبت آن، در آیه سوم چنین آمده است:

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ  
(نور، ۳).

فهم درست معنای این آیه، به بحث و بررسی بیشتری نیازمند است و چند تن از مفسران قدیم و جدید به دشواری راهیابی به مفهوم این آیه تأکید کرده‌اند. ابن عربی می‌گوید: این آیه

## □ حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور ۵

مشکلی است و دانشمندان قدیم و جدید در آن اختلاف دارند.<sup>۱</sup> ابن حزم می‌گوید: این از شگفتیهای آیات قرآن است.<sup>۲</sup> شنقیطی می‌گوید: این آیه کریمه از دشوارترین آیات از نظر تحقیق است.<sup>۳</sup>

با این حال، اکثریت قاطع مترجمان فارسی قرآن به دشواری ترجمه این آیه توجه نکرده و آیه را به گونه‌ای ترجمه کرده‌اند که با مسلمات فقه اسلامی مغایرت کامل دارد. چنین می‌نماید که آنها در ترجمه این آیه توجهی به احکام ضروری اسلام نداشته و از آن غفلت کرده‌اند. یکی از احکام ضروری اسلام این است که ازدواج مرد مسلمان با زن مشرک و بالعکس حرام و باطل است. یکی دیگر از احکام ضروری اسلام این است که مرد زناکار مسلمان می‌تواند با زن پاکدامن مسلمان ازدواج کند. این دو حکم در تمام کتب فقهی آمده است و ما در این باره توضیح بیشتری خواهیم داد.

با مراجعه به بیش از پنجاه ترجمه فارسی قرآن معلوم شد که همه آنها نکاح را در این آیه شریفه به معنای ازدواج مشروع گرفته‌اند. تفاوتها فقط در این است که برخی از آنها آیه را به صورت انشا ترجمه کرده‌اند؛ یعنی اینکه آیه دستور می‌دهد که زانی جز با زانیه و یا مشرکه نمی‌تواند ازدواج کند و برخی از آنها هم به صورت خبر و بیان واقعیت ترجمه نموده‌اند؛ یعنی طبیعت زانی چنان است که با زن زانیه و یا مشرکه ازدواج می‌کند و به آنها مایل می‌شود. در هر دو صورت مفهومی که از آیه به دست داده‌اند، مغایر با احکام ضروری اسلام و حتی مغایر با آیات دیگر قرآن است. البته این مترجمان را چندان تقصیری نیست، چون گروه اندکی از مفسران نیز آیه را به همین صورت معنی کرده‌اند و ما اقوال آنها را نقل خواهیم کرد. به راستی چگونه می‌توان آیه را به این صورت معنا کرد و از آن عبور نمود؟ آیا ازدواج مرد مسلمان هرچند که زناکار باشد با یک زن مشرک و ازدواج زن مسلمان هرچند زناکار باشد با مرد مشرک جایز و حتی الزامی است؟ آیا مرد مسلمان زناکار حق ندارد با یک زن پاکدامن ازدواج کند و باید با زن زناکار و یا زن مشرک ازدواج کند؟

حتی اگر آیه را نه به صورت نهی، بلکه به صورت بیان واقعیت بگیریم، باز همین اشکالها

۱. ابن عربی، احکام القرآن، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲. ابن حزم، الناسخ والمنسوخ، ص ۴۷.

۳. شنقیطی، اضواء البیان، ج ۴، ص ۴۳.

## □ ۶ ترجمان وحی

به اضافه یک اشکال دیگر پدید می‌آید. اگر آیه را به این صورت معنا کنیم، باز مجوز این می‌شود که مرد زناکار بتواند با زن مشرک ازدواج کند، زیرا در آیه روی این ازدواج صحه گذاشته می‌شود چون از آن با واژه «نکاح» یاد شده که به عقیده آقایان همان عقد ازدواج مشروع است، یعنی ازدواج با زن مشرک صحیح است و معمولاً طبیعت مردان زناکار به این سمت و سو کشیده می‌شود.

اشکال دیگر این برداشت که در برداشت قبلی وجود نداشت، این است که چنین مطلبی مغایر با واقعیت‌های موجود در جامعه اسلامی است، چون پرواضح است که یک مرد زناکار هر چند آلوده دامن و فاسق باشد، معمولاً وقتی می‌خواهد زنی را به همسری خود انتخاب کند، میل ندارد با یک زن هرچایی ازدواج کند بلکه تلاش می‌کند یک زن پاکدامن را به همسری انتخاب کند؛ مانند یک دزد و خائن که وقتی می‌خواهد مال خود را نزد کسی به امانت بسپارد سعی می‌کند شخص درستی را پیدا کند.

اکنون برای راهیابی به معنای درست آیه شریفه، مطالبی را در دو بخش تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنیم و در پایان نظر نهایی خود را ذکر خواهیم کرد.

بخش اول، بررسی مسئله از نظر فقهی

بخش دوم، نقل اقوال در باره معنای مراد آیه

### بررسی مسئله از نظر فقهی

چنان که گفتیم، ترجمه‌ای که از این آیه در بیش از ۵۰ ترجمه فارسی ملاحظه شد و نیز نظر برخی از مفسران، با دو حکم فقهی ضروری مغایرت دارد:

نخست اینکه ازدواج زن و مرد مسلمان هر چند زناکار باشند با زن و مرد مشرک حرام است و در هیچ شرایطی اجازه چنین ازدواجی داده نشده است.

در چندین آیه از قرآن مجید به طور صریح از ازدواج با مشرک نهی شده است؛ از جمله: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أَعْبَادٌ أَوْلَىٰ لَّكَ يَدْعُونَ إِلَى الْتَارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِأَذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (بقره، ۲۲۱).

«با زنان مشرک ازدواج نکنید تا وقتی که ایمان بیاورند و البته کنیز با ایمان از زن مشرک

حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور ۷ □

بهتر است اگر چه آن زن خوش آیند شما باشد، و به مردان مشرک زن مدهید تا وقتی که ایمان بیاورند و البته برده با ایمان از مرد مشرک بهتر است اگر چه آن مرد خوش آیند شما باشد. اینان شما را به سوی آتش می خوانند و خدا به فرمان خود، شما را به سوی بهشت و آمرزش می خواند و آیات خود را برای مردم بیان می کند، باشد که یادآور شوند».

در این آیه به طور صریح از نکاح مرد مسلمان با زن مشرک و نیز از زن دادن به مرد مشرک نهی شده است و حتی دلیل آن هم ذکر شده و آن اینکه مشرک شما را به سوی آتش می خواند، یعنی ازدواج و پیوند آنچنانی با مشرک خطر گمراهی مسلمان و افتادن او در آتش جهنم را دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمَ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهِنَّ حُلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لِيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (ممتحنه، ۱۰).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون زنان با ایمان مهاجر، نزد شما آیند آنان را بیازمایید. خدا به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را با ایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید؛ نه آن زنان بر ایشان حلالند و نه آن مردان بر این زنان حلالند. و آنچه شوهرانشان پرداخته‌اند به ایشان بازپردازید، و بر شما گناهی نیست که آنها را به همسری درآوردید در صورتی که اجرت‌هایشان را بپردازید و زنان کافر را در همسری خود نگاه ندارید و آنچه برای آنها هزینه کرده‌اید مطالبه کنید و آنها نیز آنچه هزینه کرده‌اند بخواهند. این حکم خداست که میان شما حکم می‌کند و خدا دانا و فرزانه است».

ملاحظه کنید، در اینجا آیه آشکارا گفته است که زن مؤمن بر مرد کافر، و مرد کافر بر زن مؤمن حرام است، حتی اگر ازدواج آنها پیش از ایمان آوردن زن باشد، باطل است و نباید آن زنان را به آن مردان بازگرداند. در جمله دیگر دستور می‌دهد زنی را که کافر شده است، در همسری خود نگاه ندارید؛ یعنی حتی اگر ازدواج پیش از کافر شدن آن زن اتفاق افتاده با کافر شدنش باطل می‌شود و باید از او فاصله بگیرید. با وجود این تأکیدهای شدید و روشن، دیگر هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند در اینکه ازدواج با مشرکان جایز نیست و لذا می‌گوییم این از ضروریات احکام اسلامی است و البته در کتب فقهی هم این مطلب آمده و بر آن ادعای

اجماع شده است.<sup>۱</sup>

دوم اینکه ترجمه آیه شریفه آن گونه که در ترجمه‌های فارسی آمده، مستلزم این است که بگوییم مرد مسلمان زناکار حق ندارد با زن مسلمان پاکدامن ازدواج کند، او باید با زن زناکار و یا مشرک ازدواج کند. این نیز بر خلاف ضروریات احکام اسلامی است. برای ازدواج یک مرد مسلمان - هرچند زناکار باشد - با زن پاکدامن منع و ردعی نیست و تمام فقها آن را جایز می‌دانند. فقط این بحث مطرح است که آیا مرد مسلمان پاکدامن می‌تواند با زن مسلمان زناکار ازدواج کند یا نه؟ در اینجا هم اکثریت قریب به اتفاق فقها آن را جایز می‌دانند و چند روایتی که از آنها بوی منع استشمام می‌شود مربوط به زنان زناکاری است که زناکاری را شغل خود قرار داده‌اند و روسپی هستند که در لسان روایات به آنها «معلنات» و «مشهورات» گفته می‌شود.<sup>۲</sup> این مطلب مربوط به جمله دوم آیه است که می‌فرماید: «... وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» و ما در این باره بحث خواهیم کرد. اما راجع به بخش اول آیه که می‌فرماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً...» هیچ یک از فقهای اسلام، حکمی را که از ترجمه‌های مورد اشاره استخراج می‌شود بیان نکرده و حتی احتمال آن را هم نداده‌اند.

### نقل اقوال درباره معنای مراد آیه

اکنون که از دو محذور بزرگ در ترجمه این آیه آگاهی پیدا کردیم، وجوه و اقوالی را که در تفسیر این آیه با مراجعه به منابع گوناگون تفسیری و فقهی به دست آوردیم ذکر می‌کنیم و خاطرنشان می‌سازیم که برخی از این اقوال آن دو محذور بزرگ را دارد و برخی هم با اشکالات دیگری روبه‌روست و تنها یک قول است که می‌توان آن را به دور از اشکالات پذیرفت.

لازم است این تذکر را هم بدهیم که همه اقوالی که نقل خواهیم کرد - جز قول اخیر - مبتنی بر این است که «نکاح» در آیه شریفه به معنای ازدواج مشروع و عقد باشد. ما پس از نقل این اقوال درباره معنای واژه نکاح بحث مفصلی خواهیم داشت، اینک اقوال:

۱. رجوع شود به علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۳، ص ۴۸۱؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۹۲؛ کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۱۲۸ و از کتب اهل سنت: سرخسی، المبسوط، ج ۵۵، ص ۱۱۰؛ ابن رشد، بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲. به زودی درباره این روایات بحث خواهیم کرد.

## □ حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور ۹

۱. آیه مورد بحث با آیاتی که از سوره بقره و ممتحنه نقل کردیم، نسخ شده است، یعنی قبلاً ازدواج مسلمانان با مشرکان جایز بوده همان گونه که آیه مورد بحث بر آن دلالت دارد و پس از نزول آن دو آیه این حکم نسخ شده و ازدواج با مشرکان به کلی ممنوع گردیده است. راجع به بخش پایانی آیه که می‌فرماید: «وَحَرَّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» که ازدواج مؤمنان با زنان زناکار را حرام اعلام می‌کند، از سعید بن مسیب نقل شده که این حکم با آیه «وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمُ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...» (نور، ۳۲) نسخ شده است. بسیاری از فقها سخن سعید بن مسیب را پذیرفته‌اند<sup>۱</sup> و حتی بر آن ادعای اجماع شده است.<sup>۲</sup> شافعی نیز پس از نقل سخن سعید بن مسیب آن را پذیرفته است.<sup>۳</sup>

باید گفت که نسخ در قرآن بسیار اندک است و اثبات آن درباره یک آیه احتیاج به دلیل محکم دارد و از آن گذشته نسخ شدن قسمت اول آیه با آیاتی که از ازدواج با مشرک نهی می‌کنند از نظر تاریخ نزول آیات کاملاً مردود است، چون طبق جدولهایی که از ترتیب نزول سوره‌ها موجود است، دو سوره بقره و ممتحنه پیش از سوره نور نازل شده‌اند و بدیهی است که نسخ باید بعد از منسوخ وارد شده باشد. دیگر اینکه نسخ در قرآن خلاف اصل است و اگر بتوانیم آیه‌ای را طوری معنا کنیم که منسوخ نباشد، حتماً باید همین کار را انجام داد.

در مورد سخنی که از ابن مسیب نقل شده و شافعی و دیگران آن را پذیرفته‌اند، باید بگوییم که این سخن نیز دور از صواب است، چون به گفته ابن مسیب آیه نسخ شده «وَحَرَّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» و آیه نسخ کننده «وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ...» است و این در حالی است که هر دو آیه در بخش آغازین سوره نور قرار دارند و معلوم است که این مجموعه، که مربوط به مسائل خانواده و ازدواج و ارتباط‌های جنسی مشروع و نامشروع است، یکجا نازل شده و این از لحن آیات کاملاً آشکار است. حال چگونه می‌توان گفت که در میان چند آیه که یکجا و با هم نازل شده‌اند، بخشی از آن، بخش دیگر را نسخ می‌کند؟

از این گذشته اگر هم تعارضی میان دو آیه باشد، می‌توان آن را از طریق تخصیص عام حل کرد و با وجود این راه نوبت به نسخ نمی‌رسد.

۱. شیخ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۴۰۸.

۲. قطب راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۱۵.

۳. شافعی، الأم، ج ۵، ص ۱۵۸.

۲. آیه: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً...» شأن نزول خاص دارد و از آیاتی است که نمی‌توان حکم آن را تعمیم داد. نقل کرده‌اند که مرد فقیری از صحابه پیامبر اجازه خواست که با زن مشهوره‌ای به نام ام مهزول ازدواج کند تا از درآمد او استفاده کند. در این هنگام این آیه نازل شد و پیامبر او را از این کار منع کرد. این قول از قتاده، مجاهد و زهری نقل شده است.<sup>۱</sup> این قول هم مردود و بسیار نامناسب است، چون اولاً این آیه در ضمن مجموعه‌ای از آیات نازل شده که شامل احکام گوناگونی درباره ارتباط‌های جنسی مشروع و نامشروع است، ثانیاً چگونه می‌توان آیه‌ای را که مشتمل بر احکام فقهی است محدود به یک مورد دانست؟ معلوم است که تمام آیات احکام چه آنها که شأن نزول ویژه دارند و چه آنها که شأن نزولی برای آنها نقل نشده، عمومیت دارند و برای تمام مکلفین حجت‌اند.

البته در منابع حدیثی شیعه نیز شأن نزول‌هایی برای این آیه از حضرات معصومین (ع) نقل شده است، ولی آنها ناظر به قسمت پایانی آیه یعنی جمله «و حُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» است. طبق این روایات، آیه شریفه مؤمنان را از ازدواج با هر زن زناکاری منع نمی‌کند، بلکه ازدواج با زنان زناکار مشهوره و معلنه را که بالای خانه‌هایشان پرچم زده بودند، نهی می‌کند. به این روایت توجه کنید:

عن زرارة قال سألت ابا عبدالله (ع) عن قول الله عز وجل: «الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة» قال: هن نساء مشهورات بالزنا و رجال مشهورون بالزنا، شهروا به و عرفوا به والناس اليوم بذلك المنزل، فمن اقيم عليه حد الزنا او متهم بالزنا لم ينبغ لأحد ان يناكحه حتى يعرف منه التوبة.<sup>۲</sup>

چندین روایت دیگر هم شبیه روایت بالا نقل شده است ولی مشکل اساسی آیه را حل نمی‌کند، چون روایات در مقام تفسیر آیه نیستند بلکه حکم ویژه‌ای را بیان می‌کنند. از این گذشته فقهای شیعه با توجه به مجموعه ادله و بررسی روایات معارض، معتقدند که ازدواج با زن زناکار حتی اگر مشهور به زنا باشد جایز است<sup>۳</sup> و مرحوم آیه الله خویی، علم روایاتی را که ازدواج با زانیه را ممنوع کرده به اهلش واگذار می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۹۷. و نیز طبری، جامع البیان، ج ۱۸، ص ۵۶۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۵۴.

۳. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۴۷۰.

۴. کتاب النکاح (تقریرات درس آیه الله خویی) ج ۱، ص ۲۶۷.

حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور ۱۱ □

۳. آیه شریفه در مقام تشریح است و اعلام می‌کند که زانی نباید با زن پاکدامن ازدواج کند؛ او اگر قصد ازدواج داشته باشد فقط می‌تواند با زانیه یا مشرکه ازدواج کند. این قول در بسیاری از کتابهای تفسیری آمده است و آن را به ابن مسعود و عایشه نسبت داده‌اند.<sup>۱</sup> علامه طباطبایی نیز آن را تقویت می‌کند و می‌گوید چه بسا ممکن است آیه «ولا تنکحوا المشرکات...» ناسخ آن باشد.<sup>۲</sup> معلوم می‌شود که ایشان در عین حال که آیه را به آن صورت معنا کرده‌اند، دغدغه‌ای داشته‌اند که احتمال نسخ را مطرح کرده‌اند، ولی از آنجا که ایشان موضوع نسخ را به طور قاطع نگفته‌اند ما ایشان را در ردیف افرادی که قائل به نسخ هستند نیاروردم.

این قول به طور روشن، آن دو محذور را که گفتیم دارد.

۴. آیه در مقام تشریح نیست بلکه در مقام بیان طبع مردان و زنان زناکار است، به این معنا که معمولاً کسی که عادت به فسق و فجور و زنا کرده است، در مقام ازدواج به سوی کسانی کشیده می‌شود که هم‌سنخ او و مانند او هستند.

این قول نیز در تفاسیر متعددی ذکر شده، از جمله زمخشری در الکشاف آن را توضیح می‌دهد و می‌پذیرد.<sup>۳</sup> فخر رازی نیز آن را بهترین قول در تفسیر آیه شریفه می‌داند.<sup>۴</sup> این قول نیز با همان محذورهایی که توضیح دادیم مواجه است.

۵. منظور آیه شریفه نه تشریح و نه بیان طبع زناکار است، بلکه آیه در مقام تقیح کار زانی است و این مطلب را بیان می‌کند که زناکار لیاقت آن را ندارد که با زن پاکدامن ازدواج کند بلکه لایق او زن زناکار و یا مشرک است. این بدان معنا نیست که او باید با زناکار و یا مشرک ازدواج کند، تنها زشتی شدید عمل او را می‌رساند به گونه‌ای که او با این زشتکاری شایستگی همسری با یک زن پاکدامن را ندارد، بلکه شایسته او زن زناکار یا مشرک است.<sup>۵</sup> باید گفت: حمل آیه شریفه بر این معنا بسیار بعید است و با لحن و سیاق آیه سازگاری ندارد.

۱. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۸۰.

۲. همان.

۳. زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۱۱.

۴. فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۳، ص ۳۱۹.

۵. آلوسی، روح المعانی، ج ۹، ص ۲۸۳.



۶. منظور آیه این است که مرد زناکاری که بر او حد زنا جاری شده و در اصطلاح به او «زانی مجلود» گفته می‌شود، حق ندارد با زن پاکدامن ازدواج کند. او اگر بخواهد ازدواج کند باید با زن زناکار ازدواج کند. درباره زن زناکاری که حد زنا بر او جاری شده نیز مطلب از همین قرار است.<sup>۱</sup> آنها برای قول خود روایتی را شاهد می‌آورند که در منابع اهل سنت از طریق ابوهریره از پیامبر خدا (ص) نقل کرده‌اند: «لا ینکح الزانی المجلود الا مثله»<sup>۲</sup> همچنین در این منابع روایتی نقل شده که گویا امیرالمؤمنین علی (ع) مردی را که زنا کرده و حد خورده بود از همسرش جدا کرد.<sup>۳</sup>

این وجه نیز با ضروریات فقه اسلامی مغایر است و آن دو روایت هم علاوه بر ضعف سند، دلالت روشنی بر مطلب ندارند. چون روایت اول درست مانند آیه مورد بحث است و همان ابهام را دارد و درباره روایت دوم هم این احتمال داده می‌شود که جدایی میان مرد زناکار و همسرش به وسیله طلاق بوده است، چون در متن روایت آمده است که خویشان همسر آن مرد زانی شکایت نزد امام بردند و امام آنها را از هم جدا کرد. شاید به خاطر نفرتی که میان آن زن و شوهر به وجود آمده بوده، امام (ع) آن دو را به وسیله طلاق از یکدیگر جدا کرده است.  
۷. منظور از زانی و زانیه در آیه شریفه زناکاران اهل کتاب‌اند که با زناکاری مثل خود یا با مشرک ازدواج می‌کنند و این بر مؤمنان حرام است. این قول را مقاتل بن سلیمان گفته<sup>۴</sup> و ما کسی را جز او نیافتیم که این احتمال را ذکر کرده باشد. البته سیاق آیه به روشنی این احتمال را رد می‌کند.

غیر از این وجوه و اقوال که نقل کردیم، وجوه دیگری هم گفته شده که بسیار دور از مضمون آیه است و ما از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم، ولی قول دیگری را به عنوان قول هشتم ذکر می‌کنیم. این قول ابهام آیه را کاملاً برطرف می‌کند و محذورهایی که در اقوال گذشته بود در آن نیست.

۸. منظور از «نکاح» در آیه شریفه عقد ازدواج نیست، بلکه نکاح در اینجا به معنای

۱. مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، ج ۲، ص ۴۳۶؛ نحاس، معانی القرآن، ج ۴، ص ۴۹۸؛ شوکانی، نیل الأوطار، ج ۶، ص ۲۸.

۲. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۵۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۴۵۹.

۴. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۱۸۲.

### □ حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور ۱۳ □

همبستر شدن است که شامل وطی غیر مشروع هم می شود. اگر نکاح را به این معنا بگیریم دیگر مشکلی نخواهیم داشت و معنای آیه چنین می شود که مرد زناکار جز با زن زناکار یا زن مشرک زنا نمی کند. به نظر ما این قول با توضیحی که درباره آن خواهیم داد، قوی قوی، محکم و مستند است و هرگونه ابهامی را از آیه شریفه برطرف می کند و می توان با اطمینان آن را پذیرفت. ما این قول را در تفسیر کوثر ذیل همین آیه شریفه ترجیح داده و به طور اجمال مستندات آن را ذکر نموده ایم<sup>۱</sup> و اینک مطلب را با تفصیل بیشتری بیان می کنیم.

در اینجا، نخست، بزرگانی را که این وجه را ترجیح داده و یا به آن متمایل شده اند نام می بریم و سپس این بحث را مطرح می کنیم که آیا واژه «نکاح» در اینجا به معنای عقد مشروع است و یا به هرگونه همبستر شدن - چه مشروع و چه غیر مشروع - اطلاق می شود؟ اگر اثبات کردیم که «نکاح» به معنای مطلق همبستر شدن است مطلب به طور کامل روشن می شود.

گذشته از اینکه در بسیاری از کتابهای تفسیری، این وجه به عنوان یکی از وجوه مطرح شده است، کسانی آن را بر وجوه دیگر ترجیح داده و بر صحت آن تأکید کرده اند. از کسانی که «نکاح» را در این آیه شریفه به معنای وطی مطلق گرفته اند می توان از ابن عباس، سعید بن جبیر، ابراهیم نخعی، ضحاک، طبری، جصاص، ابو حیان اندلسی، قرطبی، ابن کثیر شامی، ابن عطیه، قطب راوندی، شوکانی، ابوالحسن نیشابوری، شبیبانی، ابوالفتح رازی و آیه الله خویی نام برد. اینک متن سخن برخی از آنها را در زیر نقل می کنیم.

ابن جریر طبری در تفسیر خود اقوال و روایات مختلفی را درباره آیه مورد بحث نقل می کند؛ از جمله قول ابن عباس و سعید بن جبیر و چند تن دیگر را که نکاح را در آیه شریفه به معنای وطی و زنا گرفته اند می آورد و در پایان می گوید: نزدیک ترین قول به صواب نزد من قول کسی است که می گوید: نکاح در اینجا به معنای وطی است.<sup>۲</sup>

ابو حیان اندلسی می گوید: «لاینکح» به معنای «لایطأ» است و مشرک هم در تقسیم افزوده شده و معنای آیه این است که زانی در وقت زنا همبستر نمی شود مگر با زن زناکاری از مسلمانان و یا از آن پست تر با زن مشرک.<sup>۳</sup>

۱. جعفری، تفسیر کوثر، ج ۷، ذیل همین آیه شریفه.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۱۸، ص ۵۹.

۳. ابو حیان اندلسی، البحر المحیط، ج ۸، ص ۹.

ابوالحسن نیشابوری از مفسران قرن ششم می‌گوید: در این آیه نکاح به معنای وطی است نه عقد.<sup>۱</sup>

ابن‌کثیر دمشقی می‌گوید: این آیه اخبار از سوی خداوند است که مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک همبستر نمی‌شود، و نکاح در اینجا به معنای جماع است.<sup>۲</sup>

ابوالفتوح رازی می‌گوید: بعضی دگر گفتند: مراد به نکاح نه عقد است، بل نکاح کنایت است از جماع. و به نزدیک ما این لفظ از الفاظ مشترکه است، حقیقت باشد، در عقد و در جماع.<sup>۳</sup>

قطب راوندی می‌گوید: گفته شده که مراد از «ینکح» «یجامع» است و معنای آیه چنین است که زانی زنا نمی‌کند مگر با زانیه. قطب راوندی قول دیگری را نقل نمی‌کند.<sup>۴</sup>

ثعالبی می‌گوید: «لا ینکح» به معنای «لا یطأ» است و نکاح در اینجا به معنای همبستر شدن است.<sup>۵</sup>

آیه الله سید ابوالقاسم خویی پس از رد سخن کسانی که آیه را منسوخ می‌دانند، می‌گوید: ظاهر این است که مراد از نکاح در این آیه وطی است و جمله، جمله خبریه است و هدف از آن مهم شمردن امر زنا و تشنیع آن است و معنای آیه چنین است که زانی زنا نمی‌کند مگر با زانیه یا زنی که از او هم پست‌تر است و آن مشرکه است، ولی مؤمن از این کار به دور است، چون زنا حرام است و او مرتکب حرام نمی‌شود.<sup>۶</sup>

ایشان در کتاب النکاح از شرح العروة الوثقی می‌گوید: آیه شریفه در مقام تشریح نیست بلکه در مقام اخبار از یک امر واقعی است و ظاهر این است که آیه در صدد بیان این واقعیت است که مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک زنا نمی‌کند و با زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک زنا نمی‌کند... تحقق این امر شنیع توسط دو نفر انجام می‌شود که هر دو از یک سنخ‌اند.<sup>۷</sup>

۱. نیشابوری، ایجاز البیان عن معانی القرآن، ج ۲، ص ۵۹۵.

۲. ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۷.

۳. ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۱۴، ص ۸۳.

۴. قطب راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۷۵.

۵. ثعالبی، تفسیر ثعالبی، ج ۴، ص ۱۶۸.

۶. آیه الله خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۶۲.

۷. آیه الله خویی، کتاب النکاح (از مجموعه شرح العروة الوثقی)، ج ۱، ص ۲۶۷.

## □ ۱۵ حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور

بعضی گفته‌اند اگر معنای آیه این باشد، در واقع بیان یک مطلب بدیهی است و پیام خاصی ندارد. پاسخ این است که پیام آیه روشن است و آن بیان قبح شدید زناست و اینکه هر دو طرف به یک اندازه کار زشت می‌کنند، کاری که از یک مؤمن واقعی سر نمی‌زند و این پیام مهمی است.

به نظر ما، در تفسیر آیه شریفه، این وجه بهترین و جوه و حتی می‌توان گفت وجه متعین است، چون هر معنای دیگری جز این معنا آن محذورهای بزرگ را دارد که در آغاز مطرح کردیم و گفتیم معنایی بر خلاف ضروریات احکام اسلامی است. باقی می‌ماند اینکه بعضی گفته‌اند: واژه «نکاح» به معنای عقد مشروع است و اگر چنین باشد به کار بردن آن در مطلق وطی صحیح نیست.

پاسخ اینکه: درست است، بعضی از دانشمندان این مطلب را گفته‌اند؛ از جمله شافعی گفته است نکاح فقط به عقد گفته می‌شود.<sup>۱</sup> دیگر از کسانی که تصریح کرده‌اند که نکاح فقط به معنای عقد مشروع است زجاج است؛ او می‌گوید: در قرآن نکاح به معنای وطی به کار نرفته است.<sup>۲</sup> همچنین زمخشری گفته است در هر جای قرآن که کلمه نکاح آمده است منظور از آن عقد است.<sup>۳</sup> لیکن با بررسی کتب لغت و کلام بزرگان ادب عربی، معلوم می‌شود که استعمال واژه نکاح به معنای وطی و جماع در زبان عربی از مسلمات است و نمی‌توان آن را انکار کرد، جز اینکه بعضی آن را حقیقت در وطی و بعضی مشترک میان وطی و عقد مشروع می‌دانند و به طوری که خواهد آمد، محققان تصریحات شافعی و زجاج و زمخشری را رد کرده‌اند.

اکنون ما نظر برخی از مفسران متقدم را که عصرشان نزدیک به عصر نزول قرآن بوده نقل می‌کنیم و پس از آن عبارات اهل لغت را نیز نقل خواهیم کرد.

ابن عباس و به پیروی از وی عکرمه و مجاهد گفته‌اند: نکاح به معنای مطلق وطی و جماع است.<sup>۴</sup>

می‌دانیم که ابن عباس علاوه بر اینکه از شاگردان خاص امیرالمؤمنین علی (ع) و مفسر بزرگ قرآن بود، لغت شناس هم بود و در بیان معانی برخی از لغات قرآن صاحب نظر بود و در

۱. به نقل سرخسی در المبسوط، ج ۴، ص ۱۹۲.

۲. سمعانی، التفسیر، ج ۲، ص ۵۰۰.

۳. زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۱۲.

۴. طبری، جامع البیان، ج ۱۸، ص ۵۸.

مواردی به اشعار جاهلی استناد می‌کرد و مورد استعمال آن را روشن می‌ساخت. نمونه آن توضیح معنای واژه «کلاله» بود که بعضی آن را نمی‌دانستند و ابن عباس در بیان معنای آن به یک شعر عربی استناد کرد.<sup>۱</sup> و از این موارد بسیار است.

ضحاک گفته است: در آیه «الزانی لا ینکح الا زانیة» نکاح به معنای جماع است و معنای آیه این است که زانی زنا نمی‌کند مگر با زانیه یا مشرکه، و منظور از نکاح تزویج نیست.<sup>۲</sup>

همچنین سعید بن جبیر که او هم به نوعی شاگرد ابن عباس بود ولی استقلال نظر هم داشت نکاح را به معنای وطی مطلق گرفته است.<sup>۳</sup> سعید بن جبیر تصریح کرده است که منظور از نکاح در آیه «الزانی لا ینکح الا زانیة...» نکاح حلال نیست بلکه منظور زناست.<sup>۴</sup>

به نظر می‌رسد که اهل لغت، همگی، نکاح را یا حقیقت در وطی مطلق و یا مشترک میان عقد مشروع و وطی می‌دانند؛ البته بعضی از آنها گفته‌اند که لفظ نکاح در قرآن همه جا به معنای عقد مشروع به کار رفته است که محققان پاسخ آن را داده‌اند.

خلیل بن احمد فراهیدی گفته است: نکاح همان «بُضع» است و نکاح جاری مجرای تزویج هم قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup> می‌دانیم که «بُضع» به معنای عضو مخصوص زن است و در جماع هم به کار می‌رود. ظاهر عبارت فراهیدی دلالت می‌کند که به نظر او معنای اولیه نکاح، جماع است و در تزویج یا همان عقد مشروع هم استعمال می‌شود.

ازهری می‌گوید: اصل نکاح در کلام عرب به معنای وطی است، و به عقد هم از آن جهت نکاح گفته می‌شود که سبب وطی مباح می‌شود. در عین حال نکاح در قرآن به معنای عقد به کار رفته است.<sup>۶</sup>

جوهری می‌گوید: نکاح به معنای وطی است و گاهی هم در عقد به کار می‌رود.<sup>۷</sup> زبیدی می‌گوید: نکاح در کلام عرب، در اصل به معنای وطی است و بعضی گفته‌اند به

۱. رجوع شود به مقاله این جانب تحت عنوان «رهیافتی به مفهوم واژه قرآنی کلاله» ترجمان وحی، شماره ۱۹.

۲. تفسیر ضحاک، ج ۲، ۶۰۷-۶۰۸.

۳. به نقل طبرسی در مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۹۸ و طبری، جامع البیان، ج ۱۸، ص ۵۸.

۴. ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۵۲۲.

۵. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۶۳.

۶. لسان العرب، ج ۲، ص ۶۲۶.

۷. جوهری، صحاح اللغة، ج ۱، ص ۴۱۳.

## □ حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور ۱۷

معنای تزویج است چون سبب وطی می شود و استاد ما می گوید: استعمال این کلمه در این دو معنا مورد اختلاف است که آیا در هر دو حقیقت است یا در هر دو مجاز است یا در یکی حقیقت و در دیگری مجاز.<sup>۱</sup>

راغب اصفهانی می گوید: نکاح در اصل به معنای عقد است سپس از باب استعاره در وطی هم استعمال می شود.<sup>۲</sup>

فیومی می گوید: نکاح در اصل به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیزی است و عربها وقتی که شاخه های درختان مختلف وارد یکدیگر شوند، می گویند: «تناکحت الاشجار». بنابراین استعمال نکاح هم در عقد و هم در وطی مطلق مجاز است.<sup>۳</sup>

با توجه به نظرات مفسران قدیم و جدید و اهل لغت، دیگر جای تردید نیست که نکاح در وطی مطلق به کار می رود، چه از باب حقیقت باشد یا از باب مجاز، و همین مقدار کافی است که در آیه مورد بحث با اطمینان خاطر نکاح را بر این معنا حمل کنیم تا آن محذورهای بزرگ لازم نیاید.

باقی می ماند اینکه بعضی گفته اند: نکاح در قرآن همه جا به معنای عقد مشروع به کار رفته است. این مطلب را کسانی مانند شافعی، زجاج، ازهری و زمخشری گفته اند و ماسخن آنها را پیش از این نقل کردیم.

در این باره باید بگوییم که این همان محل نزاع است و نمی توان با این ادعا چیزی را ثابت کرد، چون مصادره به مطلوب است. دیگر اینکه وقتی بزرگانی مانند ابن عباس و سعید بن جبیر که به عصر نزول قرآن نزدیک تر از این آقایان بودند، تصریح کرده اند که نکاح در این آیه به معنای وطی است، دیگر جایی برای آن سخن باقی نمی ماند.

مطلب دیگر اینکه چند تن از مفسران در پاسخ چنین ادعایی گفته اند: مواردی در قرآن وجود دارد که در آنها نکاح به معنای عقد نیست، مانند آیه «وَأَبْتَلُوا أَلِيَّتَامِي حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء، ۶) که در این آیه بدون شک کلمه نکاح به معنای عقد نیست بلکه به معنای توان جنسی و رسیدن به رشد و بلوغ است و در

۱. زبیدی، تاج العروس، ج ۴، ص ۲۴۰.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۸۲۳.

۳. فیومی، مصباح المنیر، ذیل ماده «نکح».

جایی است که هنوز عقدی خوانده نشده و فقط آنها به سن ازدواج رسیده‌اند. و نیز در آیه «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...» (بقره، ۲۳۰) که حکم زنی را که سه بار طلاق داده شده بیان می‌کند، بدون شک نکاح به معنای عقد تنها نیست. طبق این آیه وقتی مردی بنخواهد با همسر خودش که سه بار او را طلاق داده دوباره ازدواج کند، باید آن زن با مرد دیگری که در اصطلاح محلل نامیده می‌شود ازدواج کند و پس از طلاق دادن او شوهر اول می‌تواند با آن زن ازدواج کند، و از مسلمات فقه اسلامی است که در محلل، عقد تنها بدون وطی کافی نیست و باید وطی صورت گیرد. این حکمی است که شیعه و سنی در آن اتفاق نظر دارند و روایات متعددی از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در این باره نقل شده و عبارت «لم تحل لزوجها الأول حتی یدوق الاخر عسیلتها» و «حتی تذوق عسیلتها» در روایات معروف است.<sup>۱</sup>

ابن حزم اندلسی درباره موارد استعمال لفظ نکاح در قرآن، تقسیم‌بندی جالبی دارد، می‌گوید: لفظ نکاح بر پنج قسم تقسیم می‌شود: اول به معنای عقد است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ...» (احزاب، ۴۹). دوم، به معنای وطی است نه عقد تنها: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...» (بقره، ۲۳۰). سوم، نه عقد و نه وطی بلکه به معنای رسیدن به بلوغ است «وَأَبْتَلُوا أَلْيَتَا مِي حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ...» (نساء، ۶). چهارم، نه عقد و نه وطی و نه بلوغ بلکه به معنای مهریه است: «وَلَيْسَتَّغْفِبِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نور، ۳۳) پنجم، نکاح به معنای دیگری است که در آیه: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً» (نور، ۳) آمده است. در اینجا نکاح گفته شده و منظور از آن سفاح (زنا) است.<sup>۲</sup>

حال می‌گوییم: در آیات ذکر شده، به خصوص در دو آیه‌ای که درباره آنها توضیح دادیم، نکاح به معنای عقد تنها نیست. بنابراین، ادعای اینکه در قرآن همه جا نکاح به معنای عقد آمده سخنی بی‌مورد است.

اساساً اگر هم در هیچ آیه‌ای از قرآن نکاح به معنای غیر عقد نیامده باشد باز دلیل نمی‌شود که در آیه مورد بحث الزاماً نکاح را به معنای عقد بگیریم، چون همان گونه که دیدیم، آمدن نکاح به معنای وطی مطلق مورد قبول اهل لغت است و به همین جهت و به جهت

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۱۱۳؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۶۵.

۲. ابن حزم، الناسخ والمنسوخ، ص ۴۷.

حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور ۱۹ □

محدورهایی که از آنها یاد کردیم، حمل نکاح بر این معنا در آیه مورد بحث هیچ مشکلی نخواهد داشت و می‌تواند از باب وجوه و نظایر باشد که در قرآن فراوان دیده می‌شود. مثلاً لفظ «فتنه» در قرآن در چندین معنای متفاوت به کار رفته و نمی‌توان تمام موارد آن را یکسان معنا کرد.

با توجه به مجموع آنچه ذکر شد، نباید تردید کرد که «لاینکح» در آیه شریفه «الزانی لاینکح الا زانیة او مشرکة» به معنای ازدواج مشروع نیست، بلکه به معنای همبستر شدن نامشروع است و اگر جز این معنا کنیم با آن دو محدود بزرگ فقهی روبه‌رو خواهیم شد.

■

